

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

افغانستان: کشوری غنی از منابع و عمق روزافزون بحران مطرح بودن کشور عزیزما افغانستان بمتابۀ پرسش حیاتی و مهم پیدایش عامل افغانی در روابط بین الدول مدرن

سلسله مراتب حکومتداری درکشور متزلزل گردیده است
بنیان‌های اندیشه "طالب"ها محل تأمل می باشد
انقراض سیستم دولتداری و افتراق مجریان آن
کجای کار می‌لنگد؟

بحران سیاسی بمتابۀ یکی از بحران‌های جدی افغانستان بگونه کلی دو عامل دارد: عامل داخلی و عامل خارجی که اولی مربوط به شکاف‌های اجتماعی، جنگ‌ها و تمرکزگرایی قدرت بوده و عامل دومی هم بمداخلات کشورهای منطقه و جهان ارتباط مستقیم دارد. بحران سیاسی درکشور عزیزما افغانستان با بحران امنیتی بحران اجتماعی، بحران فرهنگی و بحران اقتصادی ترکیب گردیده است. بحران اقتصادی کشور با در نظر داشت سرمایه‌های سرشار طبیعی و معادن قابل توجه، اما بمتابۀ یکی از فقیرترین کشورهای جهان بشمار رفته و از این منظر، کشور ما در عمق بحران اقتصادی بسر می‌برد. بحران اقتصادی در کشور ما در سایه بحران سیاسی تشدید گردیده است. بحران اجتماعی در یک تعریف ترکیبی از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد، اما بگونه مختص بحران اجتماعی متأثر از عواملی چون شکاف‌های اجتماعی بویژه قومی، زبانی، مذهبی، گسترده بودن سطح فقر، تفوق‌خواهی گروه‌های اقلیت‌های قومی، عامل جغرافیا، بافت اتنیکی، توزیع جمعیت و تفاوت‌های شهری و دهاتی بوده است. بحران محیط زیست، یکی از بحران‌های نسبتاً پنهان و شناخته‌نشده کشور پنداشته می‌شود که در این اواخر علایمی چون مهاجرت‌های داخلی که بدلیل تخریب محیط زندگی و از بین رفتن منابع آبی و غیره بوده، بوضوح جامعه را متأثر ساخته. بحران فرهنگی و عوامل تأثیرگذار از قبیل فقر فرهنگی، نازل بودن سطح دانش، غلبه تفکر سنتی مذهبی و گرایش‌های بنیادگرایی افراطی و بگونه کلی تأثیر فرهنگ‌های وارداتی، از موارد قابل تذکر در اینبار پنداشته می‌شود که نباید از نظر دور نگهداشته شود.

در سرآغاز نیشته حاضر، تذکر این واقعیت از یاد ما نرود که همه بخوبی می‌دانند که بحران کشور عزیزما پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و بویژه با راه اندازی درگیری‌های خونینی توسط ایالات متحده آغاز گردیده و تاکنون همچنان از شهروندان کشورما قربانی می‌گیرد. با آغاز و انجام درگیری‌های یادشده، بیشتر از ۵،۴ میلیون تن از انسان‌ها بخاک و خون کشانیده شده و آبادی‌ها و شهر و ده کشورما به مخروبه مبدل گردید. کارشناسان چنین می‌پندارند که ایالات متحده، بویژه پس از ۱۱ سپتامبر با اقدامات تب‌آلودی بمنظور مخفی نگذاشتن دروغ ساخته شده در مورد تراژیدی یادشده توسط واشنگتن متوسل گردید. ایالات متحده از همان آغاز موجودیتش بر روی کره زمین، به مقایسه سایر کشورهای جهان بسازماندهی و انجام درگیری‌های مسلحانه اعلام شده و اعلام نشده مبادرت ورزیده است که بنحوی از انحای تأمل دارد. اما در کنار سایر مسایل قابل بحث، نباید فراموش نمود که کشور عزیزما افغانستان منابع سرشار طبیعی بشمول طلا، سنگ‌های قیمتی و باارزش، مس، لیتیوم کمیاب و نادر بارزش مجموعی

یک تریلیون دالر را دردلش جاداده است که برای کشورهای دیگر جهان، موجودیت چنین غنماندی صرف می تواند بمثابة یک رویا پنداشته شود. با اینحال و با وجود این ثروت های پنهان شده در دل زمین، اما شهروندان کشور ما همچنان در متن عمیق ترین بحران بشری دست و پا زده و صرف بمنظور بقا تلاش می ورزند. قابل یاددهانی پنداشته میشود که بمجرد ترک آخرین نظامی های امریکایی و بجا گذاشتن کشور سرزمین ویرانه و پاره پاره شده، "طالب" ها با قدرت رسیدند، چنین وضعیتی، نتیجه مستقیم اشغال ۲۰ ساله کشور ما توسط ایالات متحده و هم پیمانانش پنداشته می شود. نباید فراموش خاطر ما شود که هرگونه تغییر قدرت، تحولات منحصر بفردی را با خود به همراه داشته می باشد. در این مورد پرسشی باین شرح مطرح می گردد کایا با استفاده و بهره برداری از منابع طبیعی کشور و همچنان مستفید شدن از موقعیت وجودی کشور عزیز ما در مسیر "راه ابریشم"، بمثابة چهار راه مسیرهای تجاری با نقاط پر جمعیت جهان، می توان بسود کشور و سعادت شهروندان آن نفع برد؟ با انجام تحقیقاتی توسط زمین شناسان شوروی و امریکایی در امتداد مأموریت های شان در کشور عزیز ما درباره چگونگی اطلاعات داده شده در مورد موجودیت مواد معدنی توسط آنها، واضح گردید کاراضی متعلق با افغانستان به دهها میلیون تن مس و بوکسیت، میلیاردها تن مواد معدنی و همچنان معادن وسیع و گسترده طلا، سنگ مرمر و سایر مواد معدنی با ارزش های گران بها را در دل خود جا داده است. سرمایه داران هندی، اروپایی، کاتادایی و چینیایی بخوبی از واقعیت های ذکر شده آگاه بوده و بنابراین، اما با وجود عقد قراردادهایی در مورد یاد شده، تا هنوز هم تولید و بهره برداری مواد معدنی کشور آغاز نگردیده است.

همه و همه بدلیل اینکه حتا در مناطق و محلات تحت تسلط کامل امریکایی ها، فساد بگونه وحشتناکی بیداد نموده و سهم قابل توجهی از تولید، صادرات و بگونه کلی اشتغال در مجموع اقتصاد در سایه یعنی کشت، زرع و تولید مواد مخدر، استخراج غیر قانونی معادن و قاچاق آن بخارج از کشور صورت می گرفت. وضعیت در کشور عزیز ما، بویژه با رویکار آمدن "طالب" ها، بگونه کلی دستخوش تغییراتی گردیده است. واقعیت این است که سرمایه گذاران می دانستند چگونه و به چه نحوه ایی با مقامات حامی دولت کارکنند و حتا در برخی موارد با آنها کنار آیند. اما هیچکسی اصلن نمی دانست با متجاوزان چه کنند و معلوم نبود از گروه های مسلح چه انتظاری می توان داشت.

از مسایل و موضوعات قابل بحث از جمله یکی هم اینکه نظریه دلالی، منابع غنی طبیعی کشور ما تا هنوز هم دست نا خورده باقی مانده است. در نقشه هایی که در امتداد سال ۱۳۳۹ در نتیجه تحقیقات و مطالعات زمین شناس های روسی صورت گرفت، بگونه دقیقی از موجودیت معادن غنی و منابع سرشار زیرزمینی در کشور خبر دادند. اما مدت زمان مدیدی از انجام بهره برداری معادن بمفهوم وسیع کلمه خبری نشد. بعدها با وجود اینهمه، با استخراج سنگ آهن و معدن مس همت گماشته شده و پرورش صنعتگران با استخراج معادن طلا اقداماتی بعمل آمد.

متذکر باید گردید که با وجود حضور طولانی مدت امریکایی ها در سرزمین و اراضی کشور عزیز ما، اصلن به سازوکار مشخصی در زمینه استخراج و بهره برداری از معادن و منابع زیرزمینی کشور ما مبادرت نورزیدند. آنها تلاش نمودند تا نقشه های قبلی و قدیمی تهیه شده توسط زمین شناسان شوروی را بدست آورده و بر بنیاد آنها برنامه های خویش را تنظیم و اجرا نمایند. در نتیجه، کشور عزیز ما افغانستان به نخستین کشوری در جهان مبدل گردید که قلمرو اراضی آن صد درصد با استفاده از تصویر برداری هایی تحت کاوش قرارداد شده و در نهایت امر، موفق گردیدند تا بتعداد ۶۰ نقشه مدرن در موارد یاد شده تهیه نمایند. پس از مطالعات فراوان، در امتداد سال ۱۳۸۹، امریکایی ها با استفاده از عکسبرداری های باین نتیجه رسیدند که در اراضی متعلق بکشور ما منابع معدنی بارزش یک تریلیون دالر یا حتا بیشتر از آن موجود می باشد. ارزیابی های یاد شده بر بنیاد قیمت گذاری های بازار بدون ارزش نفت، گاز و لیتیوم در نظر گرفته شده است. امریکایی ها در صد آن بودند تا با استخراج لیتیوم در مقیاس صنعتی نیز مبادرت ورزند.

اما مشکل دیگری عرض وجود نمود، چه بمنظور خرید، فروش و حمل و نقل مواد بدست آمده و استخراج شده، به مقادیر هنگفت پولی، موجودیت فنآوری ها و مهمتر از همه تحکیم امنیت ضرورت بوده کاینهمه در صدر مسایل و موضوعات قرارداد شده و بآنها نیاز جدی احساس می گردید. در شرایط و وضعیتی که امریکایی ها بر کشور ما فرمان می راندند، منابع مادی و فنآوری های زیادی موجود بود، اما موارد موجود در بخش های دیگری، از جمله در بخش زیر ساخت ها و جاده ها و تهیه انرژی، آبیاری و صحت هزینه می گردید.

بمنظور استخراج و بهره برداری از معادن کشور، به منابع مادی و نقدی ضرورت بود. حاکمان کشور ناگزیر بودند تا به جلب سرمایه گذاری های خارجی رو بیاورند. با وجود اینهمه، چنین سرمایه ها را در چین و هند می شد دستیاب

نمود. هندی ها مبلغ ۱۱ میلیون دالر را در امر سرمایه گذاری در معادن کشور ما وعده سپردند، اما بیشتر از ۳ میلیون دالر را در این مورد هزینه نمودند. کشور هند همچنان در صدد آن شد تا زمینه ایجاد تأسیسات تولید و تهیه آهن در کشور ما را مساعد و مهیا نماید، اما بدلیل چگونگی کیفیت سنگ آهن و همچنان نبود امنیت، اینکار عملی نگردید. چین نیز بهتر از هند عمل نکرد، چنانچه معلوم گردید که کشور یادشده حاضر نیست تا میلیاردها دالر در کشور سرمایه گذاری نماید که در اراضی آن درگیری های مسلحانه همچنان ادامه دارد.

در امتداد سال ۱۳۸۷، کشور چین در مورد سرمایه گذاری در کشور ما، بویژه بمنظور استخراج مس عینک که در نوع خود از بزرگترین معادن مس جهان محسوب می گردد، علاقمندی اش را در زمینه ابراز نمود. بر بنیاد پیشبینی های تقریبی، بیشتر از ۱۱ میلیون تن مس در معدن یادشده موجود می باشد، اما حین فعالیت های مقدماتی و انجام کاوش های مورد نظر در منطقه یادشده، آثار تاریخی و مجسمه های بودایی نیز در آنجا دستیاب گردیده که مطابق بررسی های یونسکو بمثابه میراث تاریخی بشریت محسوب می گردد.

اما "طالب" ها اجازه بهره برداری از مس عینک را ندادند. در امتداد سال ۱۳۹۲، آنها بر آن عده از کارگرانی که در اطراف معدن یادشده مشغول کار بودند، حمله ور شده و بتعداد ۷ تن آنها را بقتل رسانیدند. اما در سال ۱۳۹۴ اعلام نمودند که معدن یادشده را تحت حمایت قرارداده و از آن حراست خواهند نمود.

سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، سرشار از گنجینه های طبیعی می باشد، معدن ها و منابع موجود در دل طبیعت کشور ما بگونه دقیقی نقشه برداری گردیده است، اما تا زمانیکه اصل استقرار اوضاع و تأمین امنیت کا مل و سراسری در کشور میسر نگردد، هیچکدام از کشورها بمنظور بهره برداری از منابع طبیعی کشور ما دل خوش نخواهد نمود. همه آنها مدعی اند که زندگی و حیات انسان ها گرانها تر از منابع موجود طبیعی محسوب می گردد. خاطر نشان باید نمود که استخراج منابع طبیعی کشور بگونه مستقلانه در شرایط و وضعیت کنونی اصلن ناممکن بنظر می رسد. جنگ و درگیری های دراز مدت مسلحانه در کشور، بگونه کلی دورنمای اقتصاد میهن و سرزمین افغان ها، از جمله توریزم و زراعت و استفاده و بهره برداری از انرژی آفتابی و تجارت را در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

در امتداد زمانی دوده دهه با استفاده از منابع و امکانات تدارک شده توسط امریکایی ها و اما "طالب" ها با استفاده از امکانات تجارت غیرقانونی مواد مخدروبا استفاده از آن به دستیابی بسلاح و تجهیزات نظامی مبادرت ورزیدند. قابل یادد هانی پنداشته می شود که هیچکدام از دولت ها تا زمانی که خود شان وسایل و امکانات تولید را تدارک ندیده و بویژه تا زمانی که شرایط مساعد بمنظور سرمایه گذاری در عرصه استخراج و بهره برداری از معادن کشور ما مهیا و میسر نگردد، مستقلانه و بدور از هر نوع تهدیدی، با آغاز و تداوم فعالیت های شان اصلن مبادرت نخواهند ورزید.

بر بنیاد حقایق و موارد گفته آمده، بگمان اغلب که کشور عزیز ما افغانستان، مالک بزرگترین معادن و مواد قیمتی معدنی بوده کارزش مجموعی آن به میلیارده دالر تخمین می گردد.

نباید فراموش نمود که بر بنیاد حقایق موجود، تحرکاتی در مورد مداخلات آشکار و نهان در مجموع قضایای کشور ما عملن موجود می باشد. در این مورد می توان گفت که اما ایالات متحده در صدد استفاده و بکارگیری از دسته بندی های مسلح و بخدمت گرفتن تروریست ها بمنظور بی ثباتی اوضاع در کشور ما می باشد.

بگفته بسیاری ها، کشور عزیز ما افغانستان تاکنون هم بمثابه یکی از کانون های تشنج در منطقه بحساب می آید. چه، عمده ترین تهدیدات از جانب دسته بندی های مسلح غیرقانونی که بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها به تحکیم مواضع شان در افغانستان مبادرت ورزیدند، متصور می باشد.

باور عمومی چنین است که ایالات متحده مشتاقانه در صدد بکارگیری و استفاده از امکانات سازمان ها و دسته بندی های تروریستی بمنظور بی ثباتی اوضاع در کل منطقه می باشد.

واشنگتن از اجرای عملی اقداماتی بمنظور پیاده سازی زیرساخت های نظامی اش در کشور ما و حتا در تمامی منطقه آسیای مرکزی انکار نمی ورزد. اما چگونگی اوضاع اجتماعی - سیاسی کشور ما حکم می نماید تا بمنظور جلوگیری از تکوین بدترین سناریوها بایست با اقدامات جدی و پیشگیرانه ای متوسل گردید، چه، امریکایی ها مجددا در صدد مداخله در امور داخلی کشور ما می باشند.

اما متأسفانه، کشور ما روز تا روز در بحران عمیقی فرورفته که نجات از آن واستخلاص ورهایی از وضعیت بوجود آمده حتا در آینده های نزدیک هم مبهم بنظر می رسد.

شنبه ۶ ماه جوزای سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۷ ماه می سال ۲۰۲۳ ترسای